



MORNING

VETR

Morning

صبح

www.vetrmusic.com

I can feel your eyes

من می توانم احساس کنم چشمانت را

like the sun shining behind the clouds

مانند خورشید که در پشت ابرها می درخشد

I can hear your voice

می توانم بشنوم صدایت را

like a whisper calling me in the wind

مانند زمزمه ای که در میان باد مرا صدا می زند

I need a morning

من به صبحی نیاز دارم

to shatter this long night forever

که این شب طولانی را تا ابد متلاشی کند

I need a hero

من به قهرمانی نیاز دارم

to stop this thousand year old pain

که این رنج هزار ساله را متوقف کند

I feel your light rising

من احساس می کنم نور تو را که در حال طلوع است

Isn't the morning close the bright morning?

آیا صبح نزدیک نیست، آن صبح روشن؟

I feel your light rising

من احساس می کنم نور تو را که در حال طلوع است

Isn't the morning close the bright morning?

آیا صبح نزدیک نیست، آن صبح روشن؟

The morning The morning

صبح، صبح

You'll come and reveal

تو می آیی و آشکار می کنی

All the treasures in the earth and the sky

همه گنج های زمین و آسمان را

But is there anything

اما آیا چیزی بهتر هست

Better than your loving face

از چهره مهربان تو

and better than your boundless love?

و از عشق بی مرز تو؟

I need a morning

من به صبحی نیاز دارم

to shatter this long night forever

که این شب طولانی را تا ابد متلاشی کند

I need a hero

من به قهرمانی نیاز دارم

to stop this thousand year old pain

که این رنج هزار ساله را متوقف کند

I feel your light rising

من احساس می کنم نور تو را که در حال طلوع است

Isn't the morning close the bright morning?

آیا صبح نزدیک نیست، آن صبح روشن؟

I feel your light rising

من احساس می کنم نور تو را که در حال طلوع است

Isn't the morning close the bright morning?

آیا صبح نزدیک نیست، آن صبح روشن؟

The morning The morning

صبح، صبح

The morning The morning

صبح، صبح

I'm wasting my time

من وقتم را هدر می دهم

trying to calm my heart without you

که سعی می کنم بدون تو قلبم را آرام کنم

I'm wasting my time

من وقتم را هدر می دهم

trying to find some light without you

که سعی می کنم بدون تو کمی نور پیدا کنم

I'm wasting my time

من وقتم را هدر می دهم

trying to calm my heart without you

که سعی می کنم بدون تو قلبم را آرام کنم

I'm wasting my time

من وقتم را هدر می دهم

trying to find some light without you

که سعی می کنم بدون تو کمی نور پیدا کنم

I feel your light rising

من احساس می کنم نور تو را که در حال طلوع است

Isn't the morning close the bright morning?

آیا صبح نزدیک نیست، آن صبح روشن؟

I feel your light rising

من احساس می کنم نور تو را که در حال طلوع است

Isn't the morning close the bright morning?

آیا صبح نزدیک نیست، آن صبح روشن؟

The morning The morning

صبح، صبح

The morning The morning

صبح، صبح